

تاثیر قرآن بر روابط اجتماعی در اندیشه مفسران

محمدجواد نجفی*

چکیده

ادیان بزرگ دارای کارکردها و آثار اجتماعی‌اند. اسلام درخشان‌ترین رهیافت را به روابط اجتماعی دارد. از منظر قرآن هدف اصلی بعثت پیامبران برپایی عدالت در ابعاد گوناگون با مشارکت فراگیر مردم است قرآن کریم از یک‌سو در هدف‌گذاری کلی رسالت پیامبران، اهداف اجتماعی را در چشم‌انداز عمومی قرار می‌دهد و از سوی دیگر در احکام گوناگون حتی احکام عبادی، توجه به دمیدن روح اجتماعی در برابر منافع فردی برجسته است. قرآن کریم تاثیری شگرف بر روابط اجتماعی مسلمانان از نژادهای گوناگون با یکدیگر و همچنین مسلمانان با دیگر پیروان ادیان و حتی با غیر مسلمانان دارد و صلح و آرامش شعار محوری این کتاب است. همزیستی مسالمت‌آمیز با یکایک انسان‌ها فارغ از هرگونه تشخیص و پایه‌گذاری جامعه سالم، از برکات آموزه‌های قرآنی است که در جای‌جای این متن و حیانی بر آن تاکید شده است. در این مقاله چپستی تاثیر قرآن بر روابط اجتماعی و چگونگی اثرگذاری با پردازش ایده‌های بنیادی در زمینه‌های گوناگون، با تکیه بر دیدگاه مفسرانی که با نگرش اجتماعی به تفسیر پرداخته‌اند، موضوع پژوهش است.

واژگان کلیدی

آیات اجتماعی، تفسیر اجتماعی، روابط اجتماعی.

najafi.4964@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۳

*. استادیار دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲

طرح مسئله

از دیرباز، موضوع کارکرد دین، به‌ویژه در عرصه اجتماعی، یکی از محورهای کاوش‌های برون‌دینی و درون‌دینی بوده است. اهمیت مسئله در میان پژوهشگران برون‌دینی به‌ویژه اندیشمندان در مطالعات اجتماعی از جایگاه شناسایی نهادهای اجتماعی و بازشناسی کارکرد آنها برای توصیف و تحلیل پدیده‌های اجتماعی بوده است. در این نوشتار تأثیر دین و به‌گونه‌ی خاص، متن وحیانی قرآن کریم بر روابط اجتماعی بررسی می‌شود. اهمیت پژوهش درون‌دینی در این زمینه به بحث قلمرو دین از یک‌سو و تحلیل محتوای آیات خدا در زمینه اهداف، روش‌ها و سازکارهای معنوی در شکل بخشیدن به جامعه انسانی از سوی دیگر، وابسته است. نگرش ابتدایی به متن قرآن کریم نه تنها روشنگر رهیافت به جامعه و مسائل گوناگون آن است، بلکه بسامد گسترده مفاهیم اجتماعی جهت‌بخش انسان مؤمن به کارکرد گسترده دین در ساختارهای گوناگون اجتماعی است.

روابط اجتماعی در چشم انداز رسالت‌های پیامبران

در آیات مربوط به بعثت پیامبران از سوی خدا، تأثیرگذاری آنان بر روابط اجتماعی انسان‌ها به‌ویژه از طریق هدایت مردم در ایجاد دگرگونی‌های سازنده اجتماعی نمایان است.

یک. اهداف پیامبران

در آیه‌ای که در آن از اهداف کلی رسالت‌های پیامبران سخن می‌رود، هدف از گسیل پیامبران در گذر تاریخ، برپایی عدل و گسترش داد، اعلام شده است، آن هم نه به‌گونه‌ای معجزه‌آسا که به شیوه‌ای طبیعی و در روندی تربیتی مردم را به برپایی عدالت فراخوانده‌اند و مردم باید در پرتو رهنمودهای آنان خود، به این مهم همت گمارند و پرچم داد را بر فراز جامعه انسانی برافرازند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. (حدید / ۲۵)

اینک در این آیات حکمت الهی از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه ایشان آمده، گویی می‌فرماید: هدف از گسیل پیامبران و فرستادن کتاب، این بود که آنان مردم را به عدالت عادت دهند، تا در جامعه‌ای عادل زندگی کنند و آهن را نازل کرد تا بندگان خود را در دفاع از جامعه صالح خود و گسترش پیام حق در زمین بیازماید، افزون بر منافع دیگری که آهن دارد و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. نکته برجسته در این آیه آن است که پیامبران در سامان‌دهی جامعه شایسته و عدالت‌محور نقش راهنما

دارند و مردمان خود باید با پیروی از آیین دیانت جامعه خویش را انسانی بسازند. پیامبران نیامده‌اند تا در نبود انسان‌ها با بهره‌گیری از معجزات جای خالی آنها را در فرایند جامعه‌سازی پر کنند. استاد مصباح یزدی، در شمارش اهداف نزول قرآن در دسته‌بندی سه‌گانه بینشی، گرایشی و عملی، کارکرد قرآن در برپایی عدالت اجتماعی را چنین توضیح می‌دهد:

عدالت و قسط، هر دو با رعایت حقوق دیگران و دستیابی هرکس به حق خویش مرتبط است، اما قسط، بیشتر ناظر به پیاده کردن قوانین عادلانه است. قرآن مجید هدف نزول کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن را اقامه قسط می‌داند، آن هم قسط عمومی که به دست خود مردم برپا شود؛ بدین معنا که هدف، رشد دادن جوامع است تا آنجا که مردم، خود انگیزه اجرای عدالت پیدا کنند و آن را اجرا نمایند.

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ. (نساء / ۱۰۵)

در واقع ما این کتاب را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، تا با آنچه خدا به تو نمایانده [و آموخته]، در میان مردم داوری کنی.

عدالت موردنظر قرآن و اجرای آن، فقط در سایه قوانین الهی امکان‌پذیر است، از این رو در این آیه شریفه هدف از نزول قرآن را حکم کردن پیامبر ﷺ در بین مردم، طبق دستور و رأی خدا می‌داند. اجرای احکام دینی از یک سو، براساس قوانین عادلانه است و از سوی دیگر، به دست عادل‌ترین انسان‌ها به اجرا درمی‌آید، در نتیجه در مراحل قانون‌گذاری و اجرا، ضامن عدالت اجتماعی است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۱)

دو. وحدت اجتماعی، آرمان پیامبران

از اهداف بنیادی در گسیل پیامبران، پی افکندن بذر یگانگی در سرزمین دل‌ها و زدودن زنگار بیگانگی و اختلاف‌های ویرانگر است. این حقیقت در قالب یکی از بنیادی‌ترین هدف‌های پیام‌آوران آمده است.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَىٰ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (بقره / ۲۱۳)

از این آیت قرآنی پیدا است که پیامبران از پی اختلاف‌هایی فرستاده شده‌اند که بر پایه ستم پدید آمده و وحدت نخستین فطری انسان‌ها را تهدید کرده بودند و البته تنها در توان این فرستادگان الهی است که انسان‌ها می‌توانند با پیروی از آیین آسمانی‌شان، الگوی رفتاری خویش را دگرگون سازند و بار دیگر گوهر

یگانه و هم‌گرای خویش را باز یابند.

عبدالکریم خطیب بر آن است که هدف فرو فرستادن کتاب آن است که معیار عدالت در میان مردم باشد تا در مهار گفتار و کردارشان بدان برگردند و در اختلاف‌های میان خود بر آن پایه حساب خود تسویه کنند. (خطیب، بی تا: ۱ / ۲۳۵)

سید محمدحسین فضل الله بر آن است که هدف قرآن، آن است که مرزهای اشیا و شیوه رویدادها را روشن کند و دشواری‌ها را بگشاید و در کشمکش‌ها و اختلاف‌ها، خطوط روشن‌گر حق از باطل، معین کند تا کتاب، روش روشن راهنمایی مردم به درستی در کارها و داوری دادگرانه‌ای که جامعه را به میدان عدالت در ترازوی قضاوت ببرد، نشان دهد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۴۵)

دعوت به همبستگی

درآموزه‌های قرآنی هم‌پیوندی با انسان‌های دیگر مستقیماً در دستور کار زندگی انسان مؤمن قرار می‌گیرد، چنان‌که در آیه پایانی سوره آل عمران که از سوره‌های مدنی و آکنده از آیات مربوط به کنش‌های اجتماعی در همه زمینه‌ها به‌ویژه دفاع از کیان جامعه بوده، آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (آل عمران / ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید و خودتان را از [عذاب] خدا نگهداری کنید، باشد که شما رستگار شوید.

سید محمود طالقانی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«وَ صَابِرُوا» ایجاد و تحکیم و توسعه روابط همه جانبه و اجتماعی مرتبط در همه شئون. «وَ رَابِطُوا» که سراسر احکام عبادی و اقتصادی و اجتماعی، برای ساختن مجتمع توحیدی یکسان و تبادل روابط است. رابطه با خدا و خلق و خود و جهان، رابطه با یکدیگر در صفوف عبادت و جهاد، رابطه با خدا، رابطه با امام و رهبر - چنان‌که در روایات آمده - استحکام اجتماع با استحکام روابط است که در اسلام به صورت‌های معنوی و تشریحی در آمده است. دین جز رابطه نیست و بی‌دینی جز گسستن از خدا و خلق و جهان نیست و همه این سه امر با آگاهی تقوایی مستحکم می‌شود و دوام می‌یابد. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» تقوا که نگهبان و پیش برنده این روابط است و همه اینها محرک و بیرون برنده و رستن از تنگناها و گذشتن از گردنه‌های حیات لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۱۳۶۲: ۵ / ۴۶۴)

این چنین آشکارا، همبستگی در متن دین‌داری و رهنمود قرآن نهفته است تا روابط اجتماعی دستخوش

گسست نشود و مؤمن در بستر همزیستی با هم‌نوعان راه کمال به‌سوی خدا را جستجو کند و انسجام انسانی آیتی گردد از رحمت خدا بر بندگان همنوا و همدل.
 علامه طباطبایی این آیت را چکیده و برآیند همه سوره آل‌عمران دانسته، می‌نویسد:

«مصابره» عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر آزارها را تحمل کنند و هر یک پایداری خود را بر ایستادگی دیگری استوار سازد و سرانجام برکاتی که در وصف صبر هست، دست‌به‌دست هم دهد و اثرگذاری شکیب بیشتر گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماع و همیاری او در نظر گرفته شود)، چون باعث می‌شود که تک‌تک افراد نیروی یکدیگر را به هم پیوند دهند و همه نیروها یکی شود.
 «وَ رَابِطُوا»: «مرابطه» از نظر معنا اعم از «مصابره» است، چون «مصابره» عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر دشواری‌ها و «مرابطه» عبارت است از وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر سختی‌ها، بلکه همه نیروها و کارها، در همه زمینه‌های زندگی دینی، چه در سختی و چه در آسایش و خوشی.
 (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۹۲)

یورگن هابرماس هم در عین آنکه نمی‌خواهد برای حراج کردن بدیهیت سکولاریسم در جوامع خود فراخوان دهد اما کارکرد دین در ایجاد همبستگی را انکار نمی‌کند:

آشکارا یک مجموعه از باور دینی بوده که مناسبات جماعت بدوی را در مقابل تنش‌های داخل گروهی استحکام بخشیده است. توجه جامعه‌شناسان کلاسیک همیشه بر شیوه رفتار آیینی و روایت‌های اساطیری متمرکز بوده تا آن را همچون منبع معیارساز آگاهی و همبستگی اجتماعی ارزیابی کنند. (رسولی، ۱۳۹۳)

دعوت به برابری اجتماعی

در آیات گوناگونی از قرآن کریم اشارت‌های روشنی به بایستگی پیگیری مساوات و برابری اجتماعی از سوی پیامبران و پیروان آنها شده است، چنان‌که گویی باید هسته اصلی هویت مؤمن را در برابری طلبی جستجو کرد و این خواسته خدا از بندگان است که به آهنگ تقرب به او، اهل پرستش و نیایش‌اند.
 برابری خواهی در به رسمیت شناختن انسان‌ها است؛ هویت، حق و کرامت آنها هدفی است که در رهیافت به‌شماری از آیات می‌توان به آن دست یافت. «وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا»، هدف را شناختن گروه‌ها و نژادها و گرایش‌ها معرفی می‌کند، تا انسان‌های یکدیگر را به‌رغم تفاوت‌ها به رسمیت

شناسند امکان دستیابی به دیگر ابعاد برابری نیست.

از تأکیدهای قرآن در عرصه روابط اجتماعی، پیوند بخشیدن آرمان‌های بلند معنوی و عبادی با کنش‌های برین اجتماعی است. در مکه که پیامبر در کار معماری کردار دینی مؤمنان بود، دشواری‌های اجتماعی، فقر و فاصله‌های طبقاتی را به‌مثابه‌گردنه‌ای دانست که بدون آراستگی انسان به ارزش‌های اجتماعی برین چون مواسات، گذار از آن ممکن نیست. قرآن می‌فرماید:

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتَّبِعُهَا
مَقْرَبَةً * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ * ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ *
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ. (بلد / ۱۸ - ۱۱)

از بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین قوانین و تعالیم قرآن، قانون مساوات و برابری است که قرآن با تشریح این ماده قانون، در میان مسلمانان اتحاد، یگانگی، برابری و برادری برقرار می‌سازد و همه آنان را در صف واحد قرار می‌دهد و هرگونه امتیاز و اختلاف نژادی و طبقاتی را در میان‌شان لغو می‌سازد و تمام برتری‌ها و فزون‌طلبی‌ها را از ریشه برمی‌کند و تنها در این میان علم و تقوا را ملاک فضیلت و برتری قرار می‌دهد، آنجا که می‌گوید:

«أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى كُمْ؛ البته گرامی‌ترین شما در نزد خدا پارساترین شما است.» (خوبی، ۱۴۳۰: ۶۶)

همزیستی مسالمت‌آمیز جهانی

قرآن کریم خطاب به همه انسان‌ها، با چشم‌پوشی از رنگ، نژاد و مذهب، همزیستی مسالمت‌آمیز همراه با احترام به حقوق انسانی یکایک افراد بشر، جامعه‌ای آرام، شکوفا و شاداب از همنشینی انسان‌ها با کوشش برای به بار نشاندن آرمان‌های مشترک انسانی را هدف گرفته است. (مانند آیه ۶۴ آل عمران)

این آرمان، دین یگانه را برای همگان نخواسته است، بلکه با حفظ هویت دینی واحدهای گوناگون دینی بر آن است تا چشم‌اندازی از همگرایی و همکاری میان پیروان ادیان ترسیم کند که دین‌باوری جای خود را به دین‌پرستی نسپارد، بلکه حق‌پرستی جای تعصب و کشمکش‌های بیپرده پیروان ادیان و مذاهب را بگیرد.

یک. اهل کتاب

پیروان ادیان توحیدی کانون‌های مشترک بسیاری در زمینه‌های گوناگون اندیشگی، اخلاقی و حقوقی با مسلمانان دارند؛ قرآن با یادآوری پیام‌های بنیادین مشترک میان ادیان توحیدی به کوشش برای پی افکندن طرحی برای گردهمایی همگان بر محورهای یگانه توحیدی فرامی‌خواند. در جای‌جای قرآن کریم این ادبیات شناخته شده است که دست‌کم پاره‌ای از احکام در ادیان گذشته وجود داشته که مسلمانان باید آن را رعایت کرده،

بدان تکامل بخشند، افزون بر این در کانونی‌ترین باور ادیان به فراخوانی جهانی و تاریخی دست می‌زند، قرآن می‌فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. (آل عمران / ۶۴)

بگو ای اهل کتاب! باز آئید به سخنی که آن سخن یکسان است میان ما و میان شما، که نپرستیم جز این خدای و با وی هیچ انباز نگیریم و کسی از ما، کسی را به‌خدایی نگیرد و خدا نخواند، من فرود از خدای، پس اگر از پذیرفتن این باز گردند، پس شما بگوئید اشْهَدُوا گواه باشید، گواهی دهید به آنکه ما باری گردن نهادگانیم. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۴۵)

علامه طباطبایی به محتوای مشترک ادیان که با عنوان کلمه در آیه یادشده آمده است، با تأکید بر اینکه هدف برانگیختن پیامبران تعدیل جامعه است، اشاره می‌کند: انبیاء ﷺ بشر را - چه نوعش و چه فردش - دعوت می‌کنند به اینکه تک‌تک و مجموعشان بر طبق دعوت فطریشان؛ یعنی براساس کلمه توحید، سیر کنند و اعتقاد به توحید به وجوب تطبیق اعمال فردی و اجتماعی بر معیار اسلام حکم می‌کند. برای خدا؛ یعنی معیارهای تسلیم خدا شدن، بسط عدالت؛ یعنی گسترش تساوی در حقوق حیات حریت در اراده صالحه و عمل صالح و این تحقق نمی‌یابد مگر وقتی که ریشه‌های اختلاف یعنی: بغی به غیر حق، استخدام و تحکم زورمندان از زیر دستان، اینکه ضعیف برده شدن برای قوی را بپذیرد، از بیخ کنده شود، پس هیچ اله به جز الله نیست و هیچ ربی جز او نیست و هیچ حکمی جز برای خدا نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۲۴۸)

سید محمدحسین فضل الله مفسر معاصر هم با عنوان شیوه گفتگو و کردار، به این مهم پرداخته است:

در این آیه به شیوه نوینی با اهل کتاب گفتگو می‌شود، با کسانی که اسلام می‌خواهد با آنان به نقطه دیدار برسد، بر پایه بسنده کردن به اندیشه مشترک یا همزیستی از جایگاه تفاهم و با اقامه دلیلی آشکار و تردیدناپذیر. سبک نوین گفتگو، سخنی است با اهل کتاب که خدا باوحی به پیامبر از او می‌خواهد برای رسیدن به نقطه مشترک بر پایه اقناع فکری یا همزیستی از موضع درک متقابل و برپایی استدلال روشن، با آنان روبه‌رو شوند. و شاید ارزش این آیه در شیوه‌ای است که روش گفتگو را در همه مواضع عملی در زندگی نشان می‌دهد؛ زیرا قرآن هنگامی که از تاریخ داستانی برای گفتگو با مشرکان یا اهل کتاب روایت می‌کند برای نقل تاریخی بهره نمی‌گیرد، بلکه بر آن است که زمینه مفاهیم عمومی را بگستراند ...

با این آیه، ما اینک با شیوه نوین گفتگو روبه‌رو هستیم. این آیه، اندیشه دیدار با اهل کتاب

را بر پایه‌ای مشترک مطرح می‌کند تا از آن رهگذر زبان و باورهای مشترک و احساس‌های نزدیکی به یکدیگر که به وجود پایه‌ای راستین برای تفاهم رهنمون می‌کند، پیدا شود؛ زیرا احکام مسلم‌نزد هر گروه می‌تواند در ریشه کن کردن کشمکش‌ها در مسائل مورد اختلاف اثر بگذارد، بدین ترتیب ما را به پیامی مشترک فرامی‌خواند، بدین‌سان که ما به یگانگی خدا ایمان داریم، چنان‌که شما. بدین ترتیب در چارچوب پرستش خدای یگانه به هم می‌رسیم و در پرستش شرک نمی‌ورزیم و در پرتو این واقعیت از اینکه هر یک دیگری را به جای خدا پروردگار خویش بگیرد، می‌پرهیزد؛ زیرا این کار شرک به خدا در پرستش است، پس جایی نمی‌ماند برای آن که چیزی بر خود روا داریم که خدا روا ندانسته یا چیزی که خدا روا داشته، ما بر خود ناروا کنیم. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶ / ۷۸)

بدین ترتیب گستره تأثیر قرآن به سامان‌دهی روابط درونی مسلمانان محدود نمی‌شود بلکه قلمرو جهان و مردمان دیگر را هم در بر می‌گیرد.

سید محمود طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن چنین آورده است:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ... خطاب طنین افکن و محرکی است به عموم اهل کتاب: یهود و نصارا که آیینی مستند به وحی و نوشته دارند، یا هر درس خوانده و نویسنده که اندیشه و مکتبی دارد و عهده‌دار رهبری توده مردم است.

گرایش بدین هدف متعالی و نامحدود، محکم‌ترین و محرک‌ترین و انسانی‌ترین و عالی‌ترین اهداف است که پیوسته پیوند فکری و اجتماعی را نیرومندتر می‌کند و از گردنه‌ها و توقفگاه‌ها و تضادها می‌رهاند و از کمال‌های نسبی به سوی کمال مطلق و مراتب برتر می‌برد. کلمات «تَعَالَوْا، إِلَى كَلِمَةٍ، سَوَاءٍ...» متضمن همین معانی و بیشتر از آنست.

«أَلَّا نَعْبُدَ... وَلَا نُشْرِكَ... وَلَا يَتَّخِذَ» تفصیل و تحقق آن کلمه «سَوَاءٍ...» است، همین که همه را در افق متعالی توحید یکسان برمی‌آورد و خلقت و فطرت سالم و اصل دعوت پیامبران گواه و داعی آن ست و همه آگاهان مسئول از اهل کتاب برای تحقق آن هماهنگ و هم‌نوا هستند، تسلیم به حقیقت این کلمه سواء، آیین همه است و هر که از آن سر باز زند از اصل دعوت و آیین پیامبران سر باز زده گرچه خود را به آداب و اعمال و ظواهر و لباس دین بیاراید: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعُولُوا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» چون کلمه سواء... عنوان و هدف (تز - ایده) آیین خدایی است که با پذیرش و تسلیم بدان و یا روی گرداندن و سر باز زدن از آن، شعارها شناخته و جدا و گروه‌ها متمایز می‌شوند، دیگر داعیه‌ها و وابستگی‌ها نباید اشتباه انگیز شود.

اعلام و جمع «فقولوا» خطاب به مسلمین، پس از امر مفرد «فقل تعالوا» که خطاب به

رسول ﷺ بود، است و جمله مؤکد و اسمیه «بانا مسلمون»، همین جدایی شعار و گروه‌ها را می‌نمایاند که گروه مخالف و معرض ناچار باید به آن گواهی دهد. (۱۳۶۲: ۵ / ۴۶۶)

بدین ترتیب قرآن کریم در فراخوانی فرادینی همه پیروان ادیان را به پیامی یگانه فرامی‌خواند؛ در قرآن مسلمانان بدان فراخوانده شده‌اند که بر وجوه اشتراک خود با اهل کتاب انگشت بگذارند، البته نه اینکه موارد اختلاف را رها کنند (آل عمران / ۴۶)؛ این امر در سطحی دیگر بین فرق اسلامی هم صدق می‌کند.

دو. رفتار با مشرکان

بی‌گمان رفتار با مشرکان و ناهم‌دینان که با مسلمانان در گوهر بنیادین دینی هیچ وجه اشتراک عقیدتی ندارند از نمونه‌های برجسته رفتار آزادمنشانه مؤمنان با کسانی است که در عین برخورداری از بیشترین فاصله فکری و ژرفای مرامی می‌توانند با آرامش در کنار آنان زندگی کنند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ. (توبه / ۶)

طبرسی می‌نویسد:

معنای این آیه آن است که اگر یکی از آن مشرکانی که دستور جنگ با آنها را به تو دادیم، پس از گذشتن چهار ماه از تو امان خواست تا دعوت تو را بشنود و به چگونگی استدلال به قرآن گوش فرا دهد، او را امان بده و مقصود خود را برای وی تشریح کن و به او مهلت ده تا سخن خدا را بشنود و در آن بیندیشد و اینکه فقط سخن خدا را اختصاص داده و فرموده: «ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ»؛ یعنی اگر بدین اسلام درآمد که به خیر و سعادت دو دنیا دست یافته و اگر به دین اسلام در نیامد او را به قتل نرسان که در نتیجه بدو نیرنگ زده باشی بلکه او را به سرزمین خودش که در آنجا مصونیت جانی و مالی دارد برسان. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۲)

المیزان این آیه را مخصص آیه «فَأَقْضُوا الشُّرْكَانَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ»، مبنی بر کشتار مشرکان در همه جا دانسته، بر آن است که این اوج رعایت اصول فضیلت و پاسداشت کرامت و گسترش رحمت و مهرورزی و شرافت انسانی است که قرآن در نظر گرفته و دین استوار خدا، بدان فراخوانده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۵۴)

سه. روابط با منافقان

در قرآن کریم یکی از گروه‌هایی که بسیار از آنان یادشده، منافقان‌اند که شامل شماری از افراد است که به

ایمان تظاهر می‌کنند، اما در درون از ایمان تهی‌اند. تاریخ صدر اسلام هم گواه آن است که پیامبر و مسلمان در مراحل گوناگون رنج‌های بسیاری از اینان دیده‌اند. آنان از درون جبهه مسلمانان راهیابی به ایمان و باورهای بنیادین‌شان را هدف گرفته بودند.

با همه آسیب‌های اساسی که اینان به اردوگاه مؤمنان وارد کردند و حتی ترور ناکام پیامبر رحمت را هم در دستور کار خود داشتند، اما رفتار پیامبر و یارانش با آنان بسیار آموزنده است. در اهمیت اینان همین بس که در آغاز سوره بقره که نخستین سوره نازل شده در مدینه است، درحالی‌که چهار آیه (بقره / ۵ - ۳) به شناسایی پارسایان و دو آیه (بقره / ۷ - ۶) به معرفی کافران اختصاص یافته است، ۱۳ آیه (بقره / ۲۰ - ۸) در اوصاف و عملکرد منافقان آمده است و پیچیدگی ماهیت آنان کار را برای جامعه دینی دشوار می‌کند.

در سوره تحریم که با دو سوره احزاب و طلاق آیین‌نامه تحول اجتماعی فرهنگی اسلام دانسته شده است و سوره‌های تحریم و طلاق، چونان فصولی از سوره احزاب، به‌شمار آمده‌اند و تکلیف پیامبر و مؤمنان در برابر بدعت و انحراف را روشن می‌کنند. فرمان پروردگار مبنی بر جهاد با آنان چنین است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّرْنَا لَكَ الْيُسْرَى». (توبه / ۷۳)

با آنکه منافقان گروهی از کافران‌اند که کفر خود را پنهان می‌دارند اما به اتفاق مفسران شیعه و سنی با آنان جنگ روی نمی‌دهد بلکه با امر به معروف و نهی از منکر از زشتی باز داشته می‌شوند. شیخ طوسی در تفسیر این آیه درباره رفتار با منافقان می‌نویسد:

با کافران به جنگ برخیز و با منافقان با سخنی که از زشتی باز دارد نه با جنگ، جز آن که در همین بازدارندگی هم باید کوشش کرد. (طوسی، بی‌تا: ۱۰ / ۵۲)

علامه طباطبایی هم دیدگاهی همسان با شیخ طوسی ارائه می‌دهد:

و (جهاد) در ناحیه منافقین به این است که از آنان دلجویی کند و تالیف قلوب نماید، تا به تدریج دل‌هایشان به سوی ایمان گرایش یابد و اگر هم چنان به نفاق خود ادامه دادند، جنگ با منافقان (که شاید ظاهر آیه شریفه هم همین باشد)، سنت رسول خدا ﷺ بر آن جاری نشده و آن جناب در تمام عمر با هیچ منافقی نجنگیده، ناگزیر باید کلمه «جاهد» را به همان معنایی که کردیم، بگیریم. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۳۷)

وی پس از آن دیدگاه طبرسی (که همان دیدگاه شیخ طوسی نیز هست) در زمینه تفسیر آیه به سخت‌گیری بر منافقان در اجرای حدود را به نقد می‌کشد:

بعضی از مفسران گفته‌اند: منظور از جهاد، سخت‌گیری با آنان در اقامه حدود است؛

چون بیشتر کسانی که در عهد رسول خدا ﷺ حد می‌خوردند، همین منافقان بودند، اما خواننده عزیز خودش به نادرستی این سخن واقف است. (همان)

تفسیر نمونه نیز تشدید برخورد در اجرای حدود را نادرست خوانده، می‌نویسد:

بعضی گفته‌اند منظور از «جهاد با منافقان» در آیه فوق اجرای حدود شرعی در مورد آنها است؛ زیرا اکثر کسانی که حد بر آنها جاری می‌شد از منافقان بودند، اما هیچ دلیلی برای این تفسیر و بر این ادعا که حدود شرعی در آن عصر غالباً بر آنها واقع شده، در دست نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۳۰۰)

بر پایه روایات رسیده از اهل بیت شیوه رایج رفتار پیامبر اکرم ﷺ با منافقان بر مدارا استوار بوده است. حویزی در نورالتقلین از امام صادق ﷺ روایتی آورده که فرمود:

ان رسول الله ﷺ لم یقاتل منافقا قط انما کان یتألفهم. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۳۷۵)
پیامبر خدا هرگز با منافقی نجنگید، بلکه پیوسته از آنان دلجویی می‌کرد.

بیضاوی مفسر سنی نیز در توضیح آیه می‌نویسد: «با شمشیر به نبرد با کافران و با دلیل روشنگر با منافقان در آی». (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۲۲۶)
بغوی در توضیح اینکه چرا باید با منافقان مدارا کرد، می‌نویسد:

اگر بگویند درحالی که فرستاده خدا به جهاد با آنان فرمان داده شده است و او آنان را می‌شناسد، چگونه در میان یارانش رهایشان ساخته و آنان را نکشت؟ پاسخ آن است که او به جنگ کسانی گمارده شده که کفر خود آشکار ساخته به آن پرداخته، اما کسی که کفر خود پنهان می‌کند و سوگند یاد کرده می‌گوید که من مسلمانم دستور است که ظواهرش را گرفته و از نهانش جستجو ننمایند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۷۸)

روابط درونی مسلمانان

رهیافت قرآن به سامان‌دهی پیوندهای درونی مسلمانان از بنیان‌های استواری وحدت اجتماعی میان آنان است. هریک از مؤمنان فراخور جایگاه خویش و فارغ از هرگونه وابستگی نژادی، رنگ، سرزمین و خانوادگی در درون جامعه بزرگ و فراگیر اسلامی بر پایه اصل اخوت در حاشیه پشتیبانی حقوقی و امنیتی قرار دارد. آبرو، شخصیت، دارایی و همه منزلت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در امنیت کامل است. اخوت مفهومی ارزشی است که قرآن نه‌تنها در روابط مسلمانان بر بایستگی آن تأکید ورزیده، بلکه پیامبران را هم برادر مردم دانسته است. «كَذَّبَتْ عَادٌ نِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُوْدُ أَلَا تَتَّقُونَ؛

(شعراء / ۱۲۴ - ۱۲۳) [قوم] عاد فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا خودنگهداری نمی‌کنید؟».

و نوح، صالح و لوط را با تعبیرهای یکسان، برادر مردم می‌خواند. (شعراء / ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۴۲ و ۱۶۱) گذشته از این، قرآن برادری را نعمت و دستاوردی می‌داند که مسلمانان به برکت پیامبر از پس عمری جدایی و درگیری و دشمنی از آن بهره‌مند شده‌اند:

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران / ۱۰۳)

ابن‌عاشور از اهداف اصلی که قرآن برای تبیین آن آمده است، سامان‌دهی امت و به‌سازی و نگاه‌داشت نظام آن برای تکوین جامعه دانسته و به آیه فوق استناد می‌جوید. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱ / ۳۹) برادری پایه استوار زندگی جمعی مسلمانان است. این بنیاد باید با سازکارهای شایسته، پیوسته استوارتر شود. از راه‌های نگاه‌داشت این دستاورد ایمانی، صلح‌طلبی و پیگیری اصلاح در فرایند اختلاف‌های احتمالی است، قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (حجرات / ۱۰) در تفسیر الفرقان آمده است:

برادری ایمانی بر پایه شریعت است و واقعیتی به انگیزه ایمان که مؤمن وظیفه دارد در زندگی اجتماعی چندان بدان دست یازد که میان مؤمنان جز برادری نباشد و این نه برادری آفرینشی میان همه مردم و نه خویشاوندی که ازدواج را ناروا می‌سازد و نه بومی و نژادی یا حزبی؛ زیرا میان اینان دوستی و مهربانی بایسته نیست و مناسبات آنها به برادری محدود نیست.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد إن اشتكى شيئا منه وجد ألم ذلك في سائر جسده وأرواحهما من روح واحدة وإن روح المؤمن لأشد اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها؛ مؤمن برادر مؤمن است چونان یک پیکر؛ اگر بخشی از آن شکایت کند درد آن در بقیه پیکر یافت می‌شود و روحشان از یک روح است و روح مؤمن پیوسته‌تر است به خدا از پرتو خورشید به خورشید». (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۷ / ۲۳۹)

احکام و تنظیم روابط اجتماعی

در فلسفه احکام دینی تنظیم روابط اجتماعی با بهره‌گیری از احکام، جزو اهدافی است که به آن اشاره شده است.

اصولاً در احکام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مصلحت جایگاه برجسته‌ای دارد، حتی در احکامی که در ظاهر عبادی محض به‌شمار می‌آید، دستاوردهای جمعی که بازتاب آن در روابط اجتماعی به‌چشم می‌آید، نمایان است. هر حکم ظاهری شرعی گران‌بار از حکمت و نگرشی است که در ژرفای آن نهفته است. مقصد، غایت و کارکرد عینی احکام شرعی است که ساختار نمونه‌ای از نظام دینی می‌سازد.

یک. نماز

نماز که امری عبادی و برای تقرب پیوسته انسان به خدا، مقرر شده است، دارای بازتابی درخور در عرصه‌های گوناگون زندگی است، چنان‌که قرآن می‌فرماید:

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. (عنکبوت / ۴۵)

نماز افزون بر سازندگی اخلاقی و بالندگی روحی، بازدارندگی از زشتی‌ها و پلیدها در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و همچنین سامان‌دهی اجتماعی را هدف خود می‌داند.

نماز روح انضباط را در انسان تقویت می‌کند؛ چراکه باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آنها، پذیرش انضباط را در برنامه‌های زندگی کاملاً آسان می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۲۹۴)

بدین ترتیب کارکرد نماز که عبادتی سترگ برای رستگاری و پیشرفت معنوی انسان است در بازدارندگی از آرایش فضای اجتماعی به زشتی‌های آشکار (فحشا) و ناستودنی‌ها و ناهنجاری‌ها و سستی مناسبات انسانی نمایان‌تر می‌شود.

دو. زکات

دو حکم نماز و روزه بیشتر در کنار یکدیگر، به‌منزله چهره حقوقی مشترک همه ادیان به‌کار می‌روند، زکات مفهومی فراگیر و گسترده در قلمرو آیات قرآنی دارد. در قرآن افزون بر کارکرد سازنده اخلاقی و دینی، به کارکرد در تنظیم روابط اجتماعی هم پرداخته شده است.

خطیب درباره آیه ۱۰۳ از سوره توبه می‌نویسد:^۱

۱. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ از دارایی‌های آنان زکاتی بردار که با آن آنها را پاک می‌داری و پاکیزه می‌گردانی و برای آنها (به نیکی) دعا کن که دعای تو (ماهیه) آرامش آنان است و خداوند شنوایی دانا است.

بر انگیختن عموم باورمندان و این بزه‌کاران به بخشش و نیکویی کردن در راه خدا است، زیرا بخشیدن دارایی در راه خدا همتای جهاد با خویشتن است و مایه پاک‌سازی بخشنده و پالایش او از آلودگی‌ها و گناهانی است که دامنگیر او شده است. (خطیب، ۱۴۲۴: ۶ / ۸۸۷)

دعوت‌های قرآن صرفاً دعوت‌های شخصی و بین انسان و خدا نبوده است، بلکه بدون استثنا، دعوت‌های خدا حتی در آن چیزهایی که وظائف شخصی افراد است از معنای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. (خمینی، ۱۳۷۲: ۳ / ۲۳۷)

می‌توان گفت یکی از معانی اجتماعی دعوت خدا به نماز، روزه و انفاق، جهت بخشیدن به روابط اجتماعی انسان‌ها به‌سوی است که در آن والاترین مناسبات انسانی شکل گیرد و جامعه سالم در همه ابعاد زندگی جایگاهی برای پرستش خدا و قرب انسان به کمال مطلق شود و پایبندی پیوسته باورمندان به احکام، ضامن نگاهبانی و استمرار جامعه خداپسند باشد.

هدف‌گذاری نهادهای اجتماعی

در قرآن کریم آموزه‌های بنیادی در زمینه اهداف نهادهای اجتماعی یافت می‌شود که می‌تواند روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد؛ از نهاد خانواده، آموزش و پرورش و اقتصاد گرفته تا نهاد حکومت؛ در شماری از آیات و بازتاب آن در تفاسیر اجتماعی، با اهدافی اجتماعی همراه است که به‌روشنی اثرگذاری اندیشه قرآنی را به نمایش می‌گذارد.

یک. نهاد خانواده

در آیه ۱۳ سوره حجرات با اشاره به پیدایش انسان از یک زن و مرد که بنیاد نخستین واحد خانواده در آن شکل گرفته و سپس گسترش این واحد به دیگر یگان‌های انسانی مانند شعب و قبیله، هدف بنیادی نهادهای گوناگون اجتماعی دستیابی به تقوا، از رهگذر شناسایی واقعیت متنوع تیره و نژاد انسانی، برای رسیدن به کرامت نزد خدای تعالی، دانسته می‌شود.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «به‌طوری که تاریخ و آثار مشهود نشان می‌دهند، انسان پیوسته در حال اجتماع زندگی می‌کرده است، این آثار حکایت از قدیمی‌ترین عصری دارد که انسان در زمین زندگی و حکمرانی داشته است.» (طباطبایی، بی‌تا: ۵)

وی سپس آیه یاد شده را به‌عنوان گواهی بر دیدگاه خود ذکر می‌کند.

قرآن کریم در آیه ۶ سوره تحریم به مؤمنان فرمان می‌دهد خود و خانواده خویش را از آتش باز دارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.

ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید که هیضم آن مردم و سنگ‌ها است.

بر پایه روایات فریقین پایش خانواده در آیه شریفه و حفظ تقوای آنان به اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر در درون خانواده وابسته است. «هنگامی که پیامبر آیه فوق را تلاوت فرمود، از پیامبر خدا می‌پرسند چگونه خانواده خود را از آتش باز داریم؟ فرمود: به آنان چیزهایی امر کنید که خدا می‌پسندد و از آن چه خدا ناپسند می‌دارد، بازشان دارید».

ابابصیر می‌گوید درباره آیه فوق از امام صادق علیه السلام پرسیدم خود را که نگه می‌دارم (روشن است) چگونه خانواده‌ام را نگه دارم؟ حضرت همان پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله را داد. (قمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۷)

تقوا مفهومی گسترده در قرآن است که در زمینه اجتماعی، پایه سامان‌یابی زندگی بر بنیان‌های والای اخلاقی را استوار می‌سازد؛ انسان پروا پیشه در صحنه زندگی جمعی از برکت آموزه‌های دینی، چهره‌ای اثرگذار است که زندگی فردی را وقف زندگی جمعی می‌کند و در پرتو اصل امر به معروف و نهی از منکر که رمز برتری امت اسلامی است، اثری شگرف در روابط اجتماعی به‌جای می‌گذارد. مفسران شیعی و سنی بر اثرگذاری این دو اصل اساسی در بهبود روابط اجتماعی تأکید دارند. سید قطب می‌نویسد: «پس این است برخاستن به انجام وظایف نیکو با همه رنج‌ها و خارهای برای جلوگیری از بدی و وادار کردن افراد به نیکویی و پاسداشت جامعه در برابر عوامل فساد و تباهی و همه این رنج توان فرساست اما برای برپایی جامعه شایسته و ایمن‌سازی آن و پردازش چهره‌ای که خدا آن را در زندگی می‌پسندد، بایسته است». (سید قطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۴۷)

سید محمد شیرازی می‌نویسد: «چون جامعه از این دو کار بایسته تهی گردد به‌سوی پستی‌ای سرازیر می‌شود که تباهی، هرج و مرج و آشوب در آن سرشته است و چون به این دو کار آراسته شود به‌سوی دستیابی به مراتب انسانی و تمدن راستین پیشی می‌گیرد تا به اوج قله بشری برسد». (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۱ / ۳۷۹)

افزون بر راه‌کارهایی که قرآن برای استوارسازی خانواده که بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است، فرا می‌نمایاند، نهادهای دیگری چون قبیله که برآمده از همین نهاد خانواده است، با ارائه نگرش‌هایی عمیق و سازوکارهای هدایتی، در تنظیم روابط اجتماعی سالم جهت می‌یابند.

قرآن در سخنی روشن که برآیند آن تنظیم روابط اجتماعی قبیله و نژادهای انسانی در زندگی جمعی است، آشکارا هدف از آفرینش و پراکندگی انسان‌ها در قالب گروه‌های انسانی را آشنایی آنان با یکدیگر معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (حجرات / ۱۳)

اختلافی که در بین شما است و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله کرده، اختلافی است مربوط به جعل الهی، نه به خاطر کرامت و فضیلت بعضی از شما بر بعضی دیگر، بلکه برای این است که یکدیگر را بشناسید و نظام اجتماعتان کامل شود و این هدف آفرینش گروه‌ها و قبیله‌هاست نه برای آنکه با نسب‌ها افتخار بورزید و با پدران و مادران مباحث کنید.

بدین‌سان قرآن کریم با هدف‌گذاری بازشناخت و هم‌افزایی در آفرینش گوناگون انسان‌ها، جامعه انسانی را تحت تأثیر آرمان‌پردازی خود قرار می‌دهد و همیاری و شناخت حقوق یکدیگر را جایگزین فخرفروشی‌های نژادی و قبیله‌ای می‌سازد.

دو. حکومت

روابط سیاسی انسان‌ها که بخشی از مناسبات اجتماعی آنان با یکدیگر است، در درازای تاریخ مورد بحث اندیشمندان بوده است و قرآن کریم در این زمینه آموزه‌هایی سازگار با جهان‌بینی توحیدی، ارائه می‌کند که روابط انسان‌ها در کشاکش قدرت دچار آسیب‌ها و ناهنجاری‌های ویرانگر نشود، چنان‌که از یک‌سو خطر انسان‌هایی را یادآور می‌شود که گاه با نمودی مثبت، درونی آشفته و آکنده از پلیدی دارند و با آن به تباهی انسان می‌پردازند و از دیگر سو به شایستگی اشاره می‌کند که قدرت را بستر اجرای عدالت و به‌سازی جامعه و اصلاح روابط اجتماعی می‌سازند.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ * وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ. (بقره / ۲۰۷ - ۲۰۴)

فخر رازی در تفسیر آیه شریفه می‌نویسد:

و انسان چون به زمامداری رسید بسان زمامداران نابه‌کار به نابودگری کشاورزی و نسل‌ها در زمین رفتار می‌کند. (رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۳۴۷)

بیضاوی نیز بر پایه یک دیدگاه چنین رفتاری را از آن کارگزاران سیاسی می‌داند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۳۳) این‌گونه رفتارها در عرصه قدرت از سوی قرآن کریم با هشدار استوار بر پیشگیری از ویرانی و تباهی روابط اجتماعی روبه‌رو شده که می‌تواند نابودی چهره انسانی و اقتصادی و فروپاشی نسلی را در پی داشته باشد. در برابر این نمادهای چند چهره در عرصه زندگی اجتماعی، قرآن به چهره‌های درخشانی از انسان‌های حق‌گرا که به‌سازی روابط اجتماعی با بهره‌گیری از ابزارهای کارآمد برآمده از رهنمودهای دینی را هدف دستیابی به قدرت قرار می‌دهند، اشاره می‌کند:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ. (حج / ۴۱)

خدا می‌فرماید: از ویژگی آنان این است که چون در زمین به جایگاهی می‌رسند و آزادی‌گزینش شیوه دلخواه زندگی به مردم می‌بخشند، جامعه‌ای شایسته پدید آورند که در آن زکات پرداخته شده، امر به معروف کرده، از ناشایست باز می‌دارند و گزینش نماز از زمینه‌های عبادی و زکات از عرصه‌های مالی برای آن است که این دو در این زمینه نقش اساسی دارند.

فخر رازی مراد از این تمکن را فرمانروایی و اعمال نفوذ در میان مردم دانسته و از اینکه منظور دستیابی فردی به قدرت باشد، و گرنه این چهار امر بر آن مترتب نمی‌شود؛ زیرا چنین نیست که هرکس بر کار توانا باشد این چهارگانه را انجام دهد (بلکه این موارد به سلطه و نفوذ کلمه بر آدمیان مربوط است). (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۳۰)
چنان که قرطبی (۱۳۶۴: ۱۲ / ۷۳) و ابن کثیر (۱۴۱۹: ۵ / ۳۸۳) به کارکرد قدرت سیاسی در اصلاح روابط اجتماعی اشاره کرده آیه یادشده را مانند آیه ۵۵ سوره نور دانسته که می‌فرماید:

وَعَدَّ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

در آیه یادشده ویژگی‌های جامعه آرمانی که خدا به شایستگان وعده داده است، جایگزین شدن دین به‌جای مناسبات نادرست اجتماعی و تبدیل نگرانی و آشوب به آرامش و نظم اجتماعی و برقراری امنیت به‌عنوان رکن زندگی آرمانی است.

چنین می‌نماید که در قرآن کریم در پس هر حکمی و در پی تشکیل هر نهادی حکمت و آموزه‌ای نهفته است که توجه به آن می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی کمک کند، به‌ویژه اگر این توجه عمومی، از سوی همه شهروندان مؤمن به اصالت آموزه‌های وحیانی باشد.

دگرگونی‌های اجتماعی در گرو اراده انسان

انسان محوری در نگرش به دگرگونی‌های اجتماعی در برابر رویکردهای جبرگرایانه و ابزاری به انسان، رهیافتی است که درخور نگرش عمیق است.

در قرآن کریم اراده انسان فراتر از همه بازیگران عرصه تغییر به رسمیت شناخته می‌شود تا آنجا که هرگونه تحولی در روند زندگی انسان به دگرگونی درون‌زای انسان‌ها بستگی دارد و در گرو اندیشه و اراده آنها است.

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ؛ در حقیقت، خدا آن [سرنوشتی] که در

قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.» از این رو اراده انسان فراتر از جبر تایخ، فشار پیرامون و تقدیر کور، روشنگر ساخت جامعه نیکو است. کوشش انسان در سامان‌دهی اجتماعی برآمده از همکاری همگان با به‌سازی مناسبات، بهبود روابط اجتماعی را در پی خواهد داشت. این اصل قرآنی که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند به ما می‌گوید هرگونه تغییرات برونی متکی به تغییرات درونی ملت‌ها و اقوام است و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسید از همین جا سرچشمه می‌گیرد، بنابراین آنها که همیشه برای تبریته خویش به دنبال «عوامل برونی» می‌گردند و قدرت‌های سلطه‌گر و استعمارکننده را همواره عامل بدبختی خود می‌شمارند، سخت در اشتباه‌اند؛ چراکه اگر این قدرت‌های جهنمی پایگاهی در درون یک جامعه نداشته باشند، کاری از آنان ساخته نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۱۴۶)

در دامنه آیات انفال و رد مفسران بر اثرگذاری یگانه رفتارآگاهانه انسان بر روابط اجتماعی و دور بودن آن از جبر تأکید می‌ورزند. شیخ طوسی می‌نویسد: «این بدان معناست که خدا نعمت گروهی را سلب نمی‌کند مگر به سزای گناهی که مایه کیفراند، که در آن صورت آنان را کیفر می‌بخشد و نعمت خود را از آنان برمی‌گیرد و در این سخن نشانه‌ای بر تباهی گفتار جبرگرایان است.» (طوسی، بی‌تا: ۶ / ۲۲۸)

مراغی می‌نویسد: «در آیه اشاره به آن است که نعمت‌های خدا بر امت‌ها و افراد در آغاز و در ادامه به اخلاق، ویژگی‌ها و کردارهای مناسب با آنها بستگی دارد و تا این ابعاد باشد، این نعمت‌ها هم ماندگار است و خدا بدون ستمکاری و گناه مردمان، از آنان بر نمی‌دارد، پس هرگاه که آنان باورها، اخلاق و کارهای نیکوی پیوسته به آن را تغییر دادند، خدا حالشان را دگرگون کرده و نعمت‌هاشان را از آنان برمی‌گیرد و در آن هنگام دارا و توانگر، درویش و بی‌چیز و عزتمند، خوار و توانا، ناتوان می‌شود و خوشبختی و نیرومندی و چیرگی امت‌ها به گسترش دارایی و بسیاری افراد چنان که مشرکان گمان می‌برند و خدا از آن حکایت می‌کند، نیست.» (مراغی، بی‌تا: ۱۰ / ۱۷)

سید قطب تحقق تقدیر خدا از راه حرکت انسان و کردارش را نشانه گرامی‌داشت انسان از سوی خدا دانسته، آن را نشانگر تصور اسلام از حقیقت انسان شناخته که کنشگری انسان در تعیین سرنوشت خود و رویدادهای پیرامونش به رسمیت شناخته است و جایگاه منفی‌ای که مکتب‌های مادی برای انسان در برابر جبرهای اقتصادی تاریخی در نظر گرفته‌اند، نفی می‌کند، جایگاهی که انسان را در برابر آن نیروها ناتوان می‌داند. وی همچنین ملازمه میان کار و پاداش در زندگی انسان را از سنت‌های خدا می‌داند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۳۵)

مدرسی در ذیل آیه نخست سوره انفال روشن کرده است که پارسایی با پرداخت واجبه‌های مالی و تجاوز نکردن به اموال دولتی و پایبندی به وحدت و درگیر نشدن در کشمکش‌ها، واقعیت می‌یابد آنجا که آزمندی مایه دستیابی به بهره بزرگ‌تر از اموال دولت می‌شود، به‌همین دلیل خدا به بهسازی روابط اجتماعی میان مردم فرمان داده است و بر آن است که در اجرای «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» اصلاح میان مردم جز با دیدبانی

و رصد هرچه این روابط را تباه کند و همچنین اصلاح پیوسته آنها تحقق نمی‌یابد. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۳)

بدین ترتیب در اندیشه مفسران، وابستگی هرگونه بهبود در روابط اجتماعی به اراده آزاد انسان و نفی هرگونه جبر تاریخی، زمانی و مکانی و جز آن، از پایه‌های اندیشگی و رفتاری باور به اثرگذاری قرآن کریم بر روابط اجتماعی از رهگذر ارائه چشم‌اندازی واقعی درباره ماهیت روابط اجتماعی و پیوند انسانی با این‌گونه روابط است.

بر بنیاد اندیشه قرآنی هرگونه دگرگونی اجتماعی بر پایه تغییر درونی و ارادی استوار است، بنابراین با اصلاح اندیشه و بهبود حال و وضع روحی و شناخت سنت‌های خدایی که در متن جامعه جاری است، می‌توان روابط اجتماعی را سامان داد و بی‌آشنایی با چنین زیرساخت اندیشگی که با روح هستی هماهنگ است نه می‌توان بر روابط اجتماعی اثر نهاد و نه تأثیرهای احتمالی و گذارا، ریشه‌دار و ماندگار خواهد بود.

نتیجه

بررسی آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های مفسران به ما می‌آموزد قرآن با هدف بهبود زمینه‌های هدایت انسان و راهنمایی جمعی مردمان به سوی خدا از راه تجربه کردن کوشش‌های اجتماعی در پرتو دگرگونی‌های بینشی و منشی و کرداری، اثری شگرف بر روابط اجتماعی نهاده است. این اثرگذاری از راه آموزش‌های و حیانی صورت می‌گیرد.

آشکار می‌شود که قرآن کریم و به پیروی از آن، مفسران، با ارائه چشم‌اندازی واقع‌بینانه و اصولی، نخست نگرش انسان به روابط اجتماعی را ارتقا بخشیده و با ایجاد خودآگاهی فطری، وی را برای بهبود روابط اجتماعی آماده می‌سازد و در پی آن با تکلیف‌ها و بایدها و نبایدها در زمینه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی به انسان کمک می‌کند که نقشی اساسی در دگرگونی روابط اجتماعی ایفا کند.

بررسی روابط اجتماعی در چشم‌انداز پیامبران به مؤلفه‌هایی چون عدالت اجتماعی، وحدت و برابری اشاره می‌کند که هر یک می‌تواند آرایش اجتماعی نیروهای کنش‌گر را در این چشم‌انداز به‌گونه کارساز تحت تأثیر قرار دهد.

ایجاد همستگی در میان یگان‌های گوناگون اجتماعی از پیروان ادیان گرفته تا کسانی که از چنین ویژگی بهره‌مند نیستند، به نیکویی به گوهر هویت گسترده اجتماعی در بستر همزیستی مسالمت‌آمیز رهنمون شده، جهانی تهی از ناسازگاری و ناهنجاری را با بالا بردن آستانه تحمل شهروندان، به نمایش می‌آورد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمدطاهر، بی‌تا، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ.

- ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی التفسیر القرآن، بیروت، دار الکتب العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۴ ق، تقریب القرآن الی الاذهان، قم، دار العلوم.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ ۴.
- خطیب، عبدالکریم، بی تا، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت، دار الفکر العربی.
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۲، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۳۰ ق، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- رسولی، امیرابراهیم، ۱۳۹۳، «فرهنگ امروز»، ماهنامه علوم انسانی، ش ۲، آبان ماه، تهران.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چ ۳۵.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، فرهنگ اسلامی، چ ۲.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، پرتویی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- _____، بی تا، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه جواد حجتی، تهران، بعثت.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چ ۳.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، قرآن شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۰.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، کشف الاسرار فی تفسیر القرآن، تهران، امیرکبیر، چ ۵.
- وبر، ماکس، ۱۳۷۴، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی.

الأساليب الخاصة لأهل البيت عليهم السلام في تفسير مفردات القرآن

* حسن اصغريپور

** مجيد معارف

*** خليل پرويني

الخلاصه

لاشكّ في أنّ أهل البيت عليهم السلام وبشهادة القرائن العقلية والنقلية، هم القرآن الناطق والورثة الحقيقيين لعلوم ومعارف رسول الله صلى الله عليه وآله. هناك في الأحاديث الشيعية، نصوص ومقتطفات تثني علي أهل البيت عليهم السلام بوصف «أمراء الكلام». وبما أنّ فهم معاني الكلام يتوقّف علي فهم كلمة أو كلمات، من الطبيعي أنّ امعان النظر وتقصى الآراء التفسيرية لأهل البيت عليهم السلام في تبين معني أو معاني مفردات القرآن الكريم يكتسب أهمية بالغة في تفسير القرآن. هناك أساليب مختلفة في تفسير مفردات القرآن، منها الأساليب الأربعة التالية: الاسلوب التأويلي، واسلوب توسيع أو تضيق المعني، والبيان الغائي والتصويري. وهذه هي الأساليب التي يختصّ بها تفسير أهل البيت عليهم السلام لمفردات ألفاظ القرآن. يأتي هذا البحث علي شرح كلّ اسلوب ويقدم لها أمثلة ونماذج من التراث التفسيري لأهل البيت عليهم السلام، مع إثبات الأصل القرآني لبعض هذه الأساليب.

الألفاظ المفتاحية

مفردات القرآن، التفسير الأدبي، التفسير الروائي، الأساليب التفسيرية، اسلوب أهل البيت عليهم السلام.

h.asgharpour@shahed.ac.ir

maaref@ut.ac.ir

k.parvini@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/٠٨/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة شاهد (الكاتب المسؤول).

** استاذ في جامعة طهران.

*** استاذ مشارك في جامعة تربية المدرسين.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/١٢/٢٥

تبيين مصاديق «أهل البيت» في آية التطهير ونقد رأى الألوسى

ميثم دوست محمدى*

رضا نوروزى**

الخلاصه

آية التطهير من أكثر الآيات القرآنية المثيرة للجدل بين مفسرى الفريقين. الشيعة وبناءً على ما لديهم من أحاديث متواترة عن رسول الله ﷺ، يرون أن مصاديق «أهل البيت» في هذه الآية تنحصر في النبي ﷺ، وعلى، وفاطمة، والحسن، والحسين ﷺ. وأما الألوسى وهو من مفسرى أهل السنة فهو يرى، انطلاقاً من مقتضى سياق الآيات وبعض أحاديث النبي ﷺ، أن دائرة مصاديق «أهل البيت» أوسع وأشمل من أزواج وأبناء وأقارب النبي ﷺ وحتى أقطاب الصوفية. يتناول هذا البحث النظر في شروط استخدام وتطبيق السياق في التفسير وتمحيص للأحاديث الواردة عن رسول الله ﷺ من وجهة نظر علماء أهل السنة، وينتقد الرأى الذى ينكر انحصار مصاديق أهل البيت فى أصحاب الكساء، ويستعين بالأحاديث الصحيحة الموجودة فى مصادر أهل السنة، ليثبت انحصار مصاديق هذه الآية فى أصحاب الكساء.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣٣ من سورة الأحزاب، آية التطهير، أهل البيت، الألوسى، أصحاب الكساء.

*. طالب دكتوراه فى تدريس المعارف الإسلامية، جامعة طهران (الكاتب المسؤول). mdoostmdoost@gmail.com

** استاذ مساعد فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة قم. r.nourouzy@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/١٩

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٣/١٢

أضواء علي دعوة النبي الكريم ﷺ علي أساس الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، والآية ٩٤ من سورة الحجر

مجتبى محمدى *

ابوالفضل خوش منش **

الخلاصه

الرأى المشهور فى ما يخص الآيتين: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، و«فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» هو ان الآيتين المذكورتين تشيران الي بداية مرحلة جديدة من دعوة النبي محمد ﷺ الي الإسلام، وهو ما يُعرف بدور الدعوة العلنية. وفقاً لهذه الرؤية فإن النبي ﷺ قد أمر - من بعد نزول هاتين الآيتين - بإنهاء مرحلة الدعوة السرية والبدء بمرحلة الدعوة العلنية. لكن هذه الرؤية تكتنفها اشكالات كثيرة منها أن الروايات التي تؤيدها تعجّ بتناقضات كثيرة، فضلاً عن أنها لا تنسجم مع ترتيب نزول السور القرآنية. وبالإضافة الي كل ذلك فإن هذه الرؤية تتعارض مع محتوى ومضامين آيات وردت فى سياق جزئى ومع قالب سورتي الشعراء والحجر، وكذلك مع محتوى سور قرآنية اخري من حيث الصياغة والسياقات العامة. فلو أخذنا بنظر الإعتبار السير التاريخي والمنطقي لآيات وسور القرآن الكريم فإننا نتوصل الي نتيجة مفادها أن الآيات المذكورة ليست لها أدني صلة بإنهاء الدعوة السرية والبدء بالدعوة العلنية. فهذه الآيات، نزلت من بعد السنة السادسة للبعثة وفيها أمر للرسول ﷺ بمواصلة الدعوة العلنية بكلّ عزمٍ وحزمٍ وثبات رغم وجود الكثير من المشاكل والموانع التي تقف أمام مسيرة الدعوة الي الإسلام.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، الآية ٩٤ من سورة الحجر، الدعوة السرية، الدعوة العلنية.

mojtaba.mohammadia@gmail.com

manesh88@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. طالب دكتوراه فى جامعة طهران (الكاتب المسؤول).

** استاذ مشارك فى جامعة طهران.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٤

ماهية حقيقة الملكوت في القرآن الكريم مع تحليل لرأى المفسرين

مهناز عباسي*

فريده بهرامى**

الخلاصه

كانت ماهية الملكوت والامور المتعلقة به موضع بحث المفسرين والباحثين القرآنيين. منشأ هذا البحث منبثق من الآيات التالية: الآية ٨٣ من سورة يس، والآية ٨٨ من سورة المؤمنون، والآية ٧٥ من سورة الأنعام، والآية ١٨٥ من سورة الأعراف، التي تحدتت عن الملكوت بصراحة. وكان هذا مما أدّى الي ظهور آراء شتّى حول الملكوت. نحاول في هذا البحث تسليط الضوء علي «ماهية الملكوت» والامور المتعلقة به، من منظار الآيات القرآنية أولاً، ثم استجلاء وتبيين أهم الآراء المطروجة في هذا المجال. هنالك ثلاثة آراء مطروحة بين المفسرين في تفسيرهم للملكوت، وهي قولهم: إنّ الملكوت هو الجانب العمومي للشهود، والملكوت أمر باطنى، والملكوت مقام قرب يختص به أولياء الله. الرأى الثانى يقدّم تفسيراً واضحاً فضلاً، عن كونه رأياً جامعاً ويمكن حملها علي آيات الملكوت، فهو يأخذ معنيّ عينياً لكلمة الملكوت يحول دون حملها علي معنيّ اعتبارى. تري وجهة النظر هذه أن الملكوت أمر باطنى في نظام العرش الإلهى يُعبّر فيه عن صورة انتساب الأشياء الي الله تعالى من حيث العلاقة التدبيرية بينها، وهي مرتبطة بمفاهيم الأمر الإلهى، والهداية، والإمامة، واليقين، والعرش.

الألفاظ المفتاحية

آيات الملكوت، الوجه الباطنى، الحقيقة، تدبير الامور.

abbasi_m89@yahoo.com

bahramifaride@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٢٩

*. استاذة مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، جامعة الزهراء (ع.ف.).

** خريجة ماجستير من جامعة قم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠٣/٠٥

تأثير معرفة جغرافية «بابل» في تفسير الآية ١٠٢ من سورة البقرة

سيده سميّه خاتمي سبزوارى*

سيد محمد مرتضوى**

الخلاصه

من آيات القرآن الكريم التي يلقها الغموض لدى المفسرين الآية ١٠٢ من سورة البقرة. في هذه الآيات عدة امور تسترعى الانتباه، وفيها خلاف حول مكان بابل، ونزول هاروت وماروت، وكيفية السحر، وما هو المقصود بالشياطين، غير ان وجود كلمة «بابل» هنا يساعد كثيراً علي تبديد شيء من الغموض وحل هذه الاختلافات في الرؤي. وردت كلمة بابل مرة واحدة في القرآن. ينطلق هذا البحث من قضية اهتمام الناس بالسحر، الذي هو الموضوع الأهم في هذه الآية، لتسليط الضوء علي الاحداث التي وقعت في هذه المدينة وكيفية نهايتها، لكي يتسني عن طريق التعرف علي بابل بشكل أوسع، الاستعانة بذلك وملاحظة مدي معرفته في تفسير الآية. هذه التأثيرات تُبحث من جانبين؛ احدهما تبين العقاب التي انتهى إليها السحرة، ليتقضي من خلال ذلك العلاقة بين السحر وبين الوقائع التي حصلت في بابل، والآخر طرح اجابات للاختلافات التفسيرية في هذا المجال.

الألفاظ المفتاحية

الآية ١٠٢ من سورة البقرة، أرض بابل، هاروت وماروت، الإختلافات التفسيرية.

* طالبة دكتوراه في تدريس القرآن والنصوص الإسلامية، جامعة الفردوسى، مشهد. shkhatami56@gmail.com
** استاذ مشارك في قسم المعارف الإسلامية جامعة الفردوسى، مشهد (الكاتب المسؤول). mortazavi-m@um.ac.ir
تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧ تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٠

تحليل مقارنة لرأى الفريقين فى مسألة الرجعة

علي أساس الآفة ٨٣ من سورة النمل

ابوذر رجبى*

الخلاصه

يؤمن الشيعة بمبدأ الرجعية، ولكن أهل السنة لا يؤمنون بهذا المبدأ. يستدل الشيعة بعدة أدلة علي هذا المعتقد منها ما جاء فى النصوص الدينية من آيات قرآنية واحاديث شريفة مروية عن المعصومين عليهم السلام اضافة إلي العقل والاجماع. هذه الامور اذا اضيفت إليها الوقائع التاريخية التى شهدتها الاقوام السالفة، تثبت امكان الرجعة. من الادلة التى تؤخذ بنظر الاعتبار فى هذا المجال بعض الآيات القرآنية التى تُثبت هذا الاعتقاد فى آخر الزمان. وعلي رأس هذه الآيات كما يري مفسرو الشيعة، الآفة ٨٣ من سورة النمل التى تُعرف لدى الباحثين القرآنيين الشيعة بأفة اثبات الرجعة فى زمان ظهور الامام المهدي عليه السلام. وفى مقابل ذلك توجه مفسرو أهل السنة بالنقد إلي رأى علماء الشيعة هذا. يتناول هذا البحث تمحيص رأى مفسرى الفريقين بمنتهى الدقة باسلوب تحليلي فى ما يخص دلالة الآفة المذكورة، ثم يطرح رأى مفسرى أهل السنة علي بساط النقد.

الألفاظ المفتاحية

الآفة ٨٣ من سورة النمل، آفة الرجعة، التفسير المقارن، التفسير الكلامي، الرجعة، الحشر، آخر الزمان.

abuzar_rajabi@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٠٨

*. استاذ مساعد فى جامعة المعارف الإسلامية.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠١/١٣

الإتجاه العقلي في تفسير الآيات القرآنية من منظار الشريف الرضى والزمخشري

* محسن قاسم پور

** محمد حسن لواساني

الخلاصه

الشريف الرضى والزمخشري من المفسرين الذين تناولوا تفسير آيات القرآن الكريم انطلاقاً من اتجاه عقلي ، غير أن الإتجاه ينبثق من منطلقين متميزين عن بعضهما. توجه الزمخشري نحو تفسير الآيات منطلقاً من الاصول العقلية للاعتزال واستناداً إلي مبدأ التأويل، بينما نظر الشريف الرضى إلي الآيات في ضوء ما تمليه مكانة العقل في الفكر الشيعي، ومحدودية العقل واعتباره مجرد أداة في التفسير. النهج الذي سار عليه الشريف في تفسيره للآيتين ٧ و ٨ من سورة آل عمران، هو انه جعل القرآن محوراً مع نزعة تميل نحو التجديد؛ بينما سار الزمخشري في تعاطيه مع كلتا الآيتين تبعاً للسنة السلفية للمعتزلة. الشريف الرضى نظر إلي الآيتين ٦٠ و ٦١ من هذه السورة بنظرة تجعل الكتاب والسنة محوراً مع اخذ الجوانب الادبية بنظر الاعتبار، في حين فسر الزمخشري هاتين الآيتين استناداً إلي مصدر العقل والشواهد التاريخية. بالاضافة إلي ذلك يلاحظ في تفسيره لهاتين معالم من الفكر الكلامي للمعتزلة مصحوباً بنوع من التعصب.

الألفاظ المفتاحية

الآيتان ٧ و ٨ من سورة آل عمران، الآيتان ٦٠ و ٦١ من سورة آل عمران، التفسير الكلامي، التفسير المقارن، الشريف الرضى، الزمخشري.

*. استاذ مشارك في جامعة كاشان (الكاتب المسؤول).

** طالب دكتوراه في جامعة كاشان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٢٣

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٢/٢٥

بحث مقارن لآيات الخلود في النار من منظار العلامة الطباطبائي والفخر الرازي

كريم علي محمدى*

عبد المجيد علي محمدى**

الخلاصه

في آيات من القرآن الكريم مثل: الآية ٦٩ من سورة النساء، والآية ٦٤ من سورة الأحزاب، والآية ٢٣ من سورة الجن، والآية ١٧ من سورة الحشر، ذُكرت مدة عذاب المذنبين في النار بلفظ «خالدين فيها». موضوع خلود عذاب المذنبين، أو انتهائه وانقطاعه، المسائل المهمة التي كانت منذ القَدَم موضع اهتمام المتكلمين، والفلاسفة، والعرفاء، والمفسرين؛ قسم منهم انتهج منهج الإفراط وقال بخلود المذنبين في العذاب الدائم. ووقع قسم آخر في التفريط وقال بجواز نهاية العذاب لجميع المذنبين. وفي هذا المجال انتهج كلٌّ من العلامة الطباطبائي المفسر، والفيلسوف، والعارف الشيعي البارز، والفخر الرازي المفسر والمتكلم الأشعري البارز، بتبيينهما العقلي لمسألة الخلود في العذاب، وفقاً لمبانيهما الكلامية، والتفسيرية والفلسفية، منهج الاعتدال، ورسماً حدّ الخلود في النار والخالدين فيها. البحث الذي بين أيديكم محاولة لتسليط الضوء علي أدلة ومباني هذين العالمين الكبيرين، ونقد لأهم الشبهات التي تُثار بشأن فكرة الخلود في النار.

الألفاظ المفتاحية

آيات الخلود في النار، الخلود في جهنم، التفسير الكلامي، العلامة الطباطبائي، الفخر الرازي.

Karimali_110@yahoo.com

qmajid@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة الشهيد مدني، اقليم آذربايجان.

** ماجستير من جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/١٤

عمومية زوجية الموجودات في ضوء الآية ٣ من سورة الرعد والآية ٤٩ من سورة الذاريات

روح الله نجفى*

الخلاصه

تحدث القرآن الكريم في آيات متعددة عن نظام زوجية الموجودات، حيث نصت الآية الثالثة من سورة الرعد وفقاً للرأى المشهور، علي زوجية جميع الثمار، وكذلك تحدث الآية ٤٩ من سورة الذاريات عن زوجية جميع الأشياء. يبين هذا البحث أن الآية الثالثة من سورة الرعد، يمكن تصوّر تركيب نحويين فيها، وأن هذه الآية وفقاً للرأى المشهور حول التركيب النحوي لها، تدلّ علي زوجية جميع الثمار، ولكن وفقاً لرأى غير مشهور، المراد من القرينين في هذه الآية الليل والنهار، من جهة، وبناءً علي تعبير «كلّ شيء» الذي جاء في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، من الممكن تصور انه ينبغي البحث عن نظام الزوجية حتي في الموجودات غير الحية، في حين أن هذه الأشياء ليس فيها ذكور وإناث وليس فيها نظام زوجية من نوع آخر يمكن أن يدركه من يتوجّه إليهم القرآن بالخطاب في عهد نزوله، لكي يلفت أنظارهم الي قدرة الله. ومن هنا ونظراً لاستعمال كلمة «كلّ» للتأكيد علي الكثرة، وهو أمر شائع في أدبيات القرآن، يبدو أن المراد في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، هو بيان كثرة وسعة ظاهرة الزوجية بين الموجودات الحية.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣ من سورة الرعد، الآية ٤٩ من سورة الذاريات، التفسير العلمي، عمومية نظام الزوجية.

rnf1981@yahoo.com
تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/٣١

*. استاذ مساعد في جامعة الخوارزمي.
تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٤/٢٢

تفسير مقارن لآية النور

اكبر محمودى*

الخلاصه

المراد الأساسى من الـ «نور» فى الآية الشريفة المعروفة باسم آية النور، هو الهداية؛ وذلك بقريئة جملة «يهدى الله لنوره من يشاء»، وبناءً على ما جاء فى الروايات. كما ذُكرت له أيضاً معانى اخري فرعية وتصبّ فى سياق هذا المعنى. الهدف الذى أرادَه الله عزّ وجلّ من ذكر «المشكاة»، و«المصباح»، و«الزجاجة» مع ما ذُكر لها من معانٍ كثيرة، فى هذه الآية هو التشبيه لمخلوقاته بالزجاجة والمصباح والنور، لكى يصوّر لهم بمثال ملموس كيفية اشعاعه عليهم بالنور. وهذا ما يُفهم مما جاء فى نصّ الآية الشريفة: «يُضربُ اللهُ الأمثالَ لِلنَّاسِ». كما أن المقاطع والجُمَل الاخرى: «كأنها كوكب درى»، و«يوقد من شجرة مباركة لا شرقية ولا غربية»، و«يكاد زيتها يضىء ولو لم تمسسه نار»، و«نورٌ على نورٍ» جاءت كلّها من أجل بيان شدة إنارة ذلك المصباح والزجاجة التى هو فيها. إنّ ما يُفهم من قوله تعالى: «يهدى الله لنوره من يشاء» وهو أنه يخصّ بنوره أفراداً معيّنين، وفى ضوء ما جاء فى المقطع الأول من الآية الذى يفيد إضفاء النور على السموات والأرض، أن الله تبارك وتعالى نورين؛ نور عام، ونور خاص.

الألفاظ المفتاحية

آية النور، الآية ٣٥ من سورة النور، الآيات المتشابهة، التفسير المقارن.

*. خريج دكتوراه فى القرآن والنصوص الإسلامية جامعة المعارف الإسلامية. تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٦
mahmoodiakbar24@gmail.com تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦